

گفت‌وگو با استاد سید مرتضی سادات فاطمی، یار دیرین رهبر شهید

ابتکارات آقا برای مبارزه بی نظیر بود



استاد سیدمرتضی سادات فاطمی از ارکان برجسته و نامدار هنر تلاوت قرآن در مشهد و ایران اسلامی به شمار می‌رود. مسیر بالندگی قرآنی وی با همراهی و همگامی شخصیت‌های طرازاولی همچون رهبر شهید و شهید هاشمی‌نژاد گره خورده است. از فعالیت وی، تأسیس محفل انس با قرآن در «مسجد کرامت» به همراهی استادشان، زنده‌یاد علی مختاری، و بر پایه پیشنهاد مستقیم حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است. در این مجال، پای صحبت‌های استاد نشستیم تا راوی خاطراتی بکر از فضای قرآنی مشهد پیش از انقلاب و نقش بی‌بدیل رهبر شهید در هدایت این جریان باشد.

جناب استاد، نقطه آغازین پیوند شما با تلاوت آیات الهی به چه دورانی بازمی‌گردد؟

ریشه این انس در پیشینه خانوادگی ما نهفته است. جد بزرگوار و پدرم همواره با مضامین قرآنی مأنوس بودند. عمومی بنده نیز از موهبت صدای خوش در تلاوت برخوردار بود که گمان می‌کنم حنجره من میراث دار ایشان است. افزون بر این، دایمی مرحومم، جناب حسن امینی، در زمره اساتید پیشکسوت قرآن جای داشت. نغمه خوانی آیات از همان طفولیت با من بود تا اینکه در هفت سالگی پای به یک مکتب خانه سنتی گذاشتم. بانوی آموزگاری که مدیریت آنجا را بر عهده داشت. ظرف مدت دو ماه تلاوت جزء‌های پایانی قرآن را به من آموخت. ایشان پس از این مدت کوتاه، به والدهام پیغام داد که فرزند شما به تسلط کافی رسیده است و دیگر ضرورتی برای حضور در مکتب خانه ندارد، بلکه شایسته است در معیت دایی اش در محافل تخصصی تر شرکت جوید.

این چنین بود که پایم به جلسات رسمی تر باز شد. صبح‌های جمعه در محفلی که در منزل پدر بزرگم برپا می‌شد، حضور می‌یافتم. هدایت آن جلسه بر عهده مرحوم رضوان بود که از خطاطان شهیر آستان قدس نیز به شمار می‌رفت. در آنجا یک گرامافون قدیمی داشتیم. پیش از آنکه جلسه رسمیت یابد، بنده صفحه تلاوت استاد عبدالباسط را روی دستگاه می‌گذاشتم. طنین آن را به بالاترین حد می‌رساندم و با بازگذاشتن در و پنجره‌ها، طلیعه آغاز محفل را به گوش همسایگان می‌رساندم. در همان حین، سراپا گوش می‌شدم و با ولع تمام، الحان را تقلید می‌کردم. در آن برهه، هیچ‌گونه دانش آکادمیکی از تجوید، قواعد وقف و ابتدا یا مخارج حروف نداشتیم و همه این مهارت‌ها را فقط از طریق استماع دقیق تلاوت‌های استاد عبدالباسط در وجودم نهادینه کردم.

در دوران پیش از پیروزی انقلاب، فضای رقابت‌ها و مسابقات قرآنی چگونه بود و شما چه مشارکتی در آن‌ها داشتید؟

مسابقات در آن زمان جریان داشت. اما بنده به دلیل ماهیت نامشروع و طاغوتی حاکمیت، از حضور در رویدادهای رسمی و دولتی خودداری می‌کردم. تنها استثنا این رویه، رقابتی مردمی بود که با همت استاد مولایی در پایتخت تدارک دیده شد. ایشان طی تماشای مسابقات با بنده تأکید کرد که این مسابقات به منظور تقابل با برنامه‌های سازمان اوقاف وقت طراحی شده است و خواستار حضور نخبگان قرآنی مشهد شده‌اند. بنده نیز با همراهی جمعی از دوستان نظیر آقایان روغنی، جاویدی و جوادآقای خودمان راهی تهران شدیم. خوشبختانه در آن دوره کاروان مشهدگویی سبقت را ربود و در هر دوره سنی بزرگ سالان و نوجوانان بر سکوی نخست ایستاد.

اما پس از طلوع فجر انقلاب اسلامی، در نخستین دوره از مسابقات سراسری سازمان اوقاف در سال ۱۳۶۱ شرکت کردم و با کسب مقام اول، در همان سال جواز حضور در مأموریت قرآنی عربستان را به دست آوردم. موفقیت‌ها تداوم یافت و در سال متعاقب آن (۱۳۶۲) نیز رتبه برتر مسابقات بین‌المللی قرآن جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کردم.

شما در زمره مروجان اصلی آثار شیخ مصطفی اسماعیل بودید و سال‌هاست که به سیاق ایشان تلاوت می‌کنید. این گرایش به مکتب تلاوت این استاد مصری چگونه شکل گرفت؟

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم، نقطه عزیمت بنده در تقلید، اساتیدی چون عبدالباسط و منشاوی بودند و در گام‌های بعدی به سراغ سبک‌های استاد علی‌البننا و غلوش رفتم. در سال‌های پیش از انقلاب، محفلی قرآنی در صبح‌های جمعه در مسجد کرامت دایر بود که باره نمودهای رهبر معظم انقلاب شکل گرفته بود. در یکی از این محافل، ایشان حضور یافتند و خطاب به بنده فرمودند: «آقای فاطمی! دریغ نیست که شما با سبک مصطفی اسماعیل تلاوت نمی‌کنید؟» در پاسخ، به دشواری‌های این سبک و همچنین فقدان امکاناتی نظیر دستگاه ضبط صوت و نوار کاست اشاره کردم. ایشان با لحنی پرمعنا فرمودند: «از شما چنین عذری پذیرفته نیست!»

متعاقب این گفت‌وگو، مرحوم پدرم در اسرع وقت یک دستگاه ضبط صوت کارکرده برایم فراهم کرد و خود رهبر معظم انقلاب نیز نوارهای تلاوت سوره بقره و آل عمران با صدای مصطفی اسماعیل را در اختیارم قرار دادند. پس از آن، ممارست فراوانی به خرج دادم و هرگاه در حضور ایشان با این سبک به تلاوت می‌پرداختم، مورد عنایت و تشویق‌های دلگرم‌کننده ایشان واقع می‌شدم.

دیدگاه تحلیلی آقا این بود که مصطفی اسماعیل تلاوت را در خدمت انتقال مفاهیم و مضامین آیات قرار می‌دهد. برخلاف معدود قاریانی که رسالتشان را در ایجاد غلیان احساسات از طریق صوت و لحن خلاصه می‌کنند، مصطفی اسماعیل در عین آفرینش زیبایی‌های صوتی، ذهن مستمع را

طرح توسعه با همراهی بی‌نظیر مردمی و از طریق فروش قبض‌های کمک مالی به سرانجام رسید، بی‌آنکه حتی به یک ریال از وجوهات شرعی و سهم امام نیازی باشد و در نهایت، وسعت آن از مسجد کرامت نیز فراتر رفت.

با آماده‌سازی و گسترش فضای مسجد، بستر لازم برای اجرای یک ایده بدیع فراهم شد. هم‌زمان با ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۳ شمسی، آیت‌الله خامنه‌ای طرحی نوآورانه با عنوان «تبیین رئوس و اصول کلی اندیشه اسلامی با تکیه بر قرآن کریم» را آغاز کردند. هدف این برنامه، ارائه یک تفسیر موضوعی از قرآن بود که اصول بنیادین اعتقادات اسلامی نظیر توحید، نبوت و ولایت را با استناد مستقیم به آیات الهی تشریح می‌کرد. این جلسات که هر روز ظهر پس از نماز برگزار می‌شد، با چنان استقبال خیره‌کننده‌ای روبه‌رو شد که علاوه بر پرشدن کامل ظرفیت داخلی مسجد، گاراژ وسیع پشت ساختمان نیز مملو از جمعیت مشتاقی می‌شد که بیشترشان از قشر جوان برای بهره‌مندی از این مباحث سنگین و زیربنایی گرد هم می‌آمدند.

آنچه این جلسات را در میان همه محافل یاران امام خمینی (ره) متمایز و بی‌بدیل می‌ساخت، روش‌شناسی آکادمیک و ساختاریافته در ارائه مطالب بود. این محفل بیش از آنکه یک سخنرانی سنتی باشد، یک کلاس درس تمام‌عیار بود. پیش از آغاز هر جلسه، خلاصه مباحث مکتوب شده و از طریق دستگاه پلی‌کپی تکثیر می‌شد تا در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. مستمعان با دردست داشتن این متون، صحبت‌ها را با دقت دنبال می‌کردند. فراتر از این، پویایی جلسات با مشارکت فعال جوانان تضمین می‌شد؛ به این معنا که حاضران که ترکیبی از نیروهای انقلابی، بازاریان و تحصیل‌کردگان حوزوی و دانشگاهی بودند، مطالب را یادداشت می‌کردند و در جلسات بعدی کنفرانس می‌دادند و این امر به تربیت انسان‌هایی عمیقاً آگاه به معارف دینی منجر می‌شد. جذابیت فرمی و علمی این تدریس به حدی بود که وقتی یکی از حاضران آیت‌الله خامنه‌ای را در حال نوشتن روی تخته سیاه دید، سیمای ایشان را به سید جمال‌الدین اسدآبادی تشبیه کرد.

این حجم از اثرگذاری و سازمان‌دهی فکری، به سرعت زنگ خطر را برای نهادهای امنیتی رژیم پهلوی به صدا درآورد. ساواک با دقت این جلسات را زیر نظر داشت و محتوای سیاسی مستتر در لایه‌های تفسیر قرآن، حساسیت آن‌ها را به شدت برانگیخت. نقطه اوج این حساسیت‌ها به سخنرانی‌های روزهای ۲۶ و ۲۷ رمضان (مصادف با ۲۱ و ۲۲ مهرماه ۱۳۵۳) با موضوع «ولایت مطلقه امام» بازمی‌گردد. در این جلسات، آیت‌الله خامنه‌ای با تشریح اینکه ولی و حاکم مطلق باید منصوب از جانب خدا باشد و نقش او در جامعه همچون جان در کالبد انسان است، به بیان چهار شرط اساسی برای نایب امام زمان (عج) پرداختند: خویشتن‌داری (صائناً لنفسه)، پاسداری از دین (حافظاً لدین)، مخالفت با هوای نفس (مخالفاً لهواه) و فرمان‌برداری از خداوند (مطیعاً لأمر مولاه). ایشان سپس از مردم خواستند تا با قالب‌گیری این شرایط، جانشین برحق را از میان علمای بزرگ انتخاب کنند؛ سخنانی که گزارشگر ساواک به درستی آن را اشاره‌ای مستقیم به زعامت امام خمینی (ره) تفسیر کرد.

گزارش‌های ساواک به روشنی نشان‌دهنده هراس رژیم از این کانون بیداری بود. مأموران امنیتی معتقد بودند که در پس این تفسیرهای قرآنی، سازمان‌دهی پنهانی جریان دارد که با تشریح اصول انقلابی، جوانان را به گلوله‌های آتشین و بی‌باکی تبدیل می‌کند که دستگیری و مرگ را برای خود افتخار می‌دانند. مبلغان این جریان، با تشبیه جوانان به امام حسن (ع) و حضرت علی اکبر (ع)، حکومت وقت را پلیدتر از حکومت یزید معرفی می‌کردند. به دلیل همین کنترل‌های شدید امنیتی و سابقه زندان، آیت‌الله خامنه‌ای ناگزیر شدند برای درمان ماندن کتاب از تیغ سانسور و توقیف، نسخه مکتوب این جلسات را با نام مستعار «سید علی حسینی» منتشر کنند تا این میراث‌گران بهای اندیشه اسلامی به سلامت به دست مخاطبان و آیندگان برسد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این برنامه‌ها تعطیل نشد. در زمان ریاست جمهوری رهبر شهید نیز دروس تفسیر و همچنین محافل انس با قرآن به قوت خود باقی بود. در دوران رهبری ایشان نیز این جلسه هر سال برگزار می‌شد و حتی در دوره شیوع کرونا نیز تعطیل نشد و به صورت مجازی برگزار شد. این امر نشان‌دهنده اهتمام بسیار ویژه رهبر شهیدمان به قرآن کریم و تلاوت آن بوده است.

نکته درخور تأمل این اهتمام آن است که آخرین دیدار رسمی رهبر شهید با قاریان قرآن کریم انجام شد. روز نخست ماه مبارک رمضان مثل هر سال این جلسه در محضر ایشان برگزار شد و قاریان آخرین حضور خود را در حسینیه امام خمینی (ره) تجربه کردند.

رهبر شهیدمان از همان روزهای نخست خردسالی با قرآن کریم انس گرفتند و این انس ادامه پیدا کرد و دست تقدیر آن‌گونه رقم خورد که در ماه قرآن و با زبان روزه به دیار باقی عروج کنند و آخرین لحظات عمر پربرکت ایشان نیز در محضر قرآن گذشت. همان‌طور که آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در نخستین پیام خود فرمودند: رهبر شهید در حال تلاوت قرآن به شهادت رسیدند.

رهبر ما شهید قرآن بود.